

Keynes's rejection of Say's Law

Say's law, if accepted, makes macroeconomic demand management policies redundant. We have seen earlier that in the classical model a decision to refrain from current consumption is equivalent to a decision to consume more in the future this decision , therefor automatically implies the resources need to be diverted to the production of investment goods which will be needed to provide the flow of future consumption goods. An increase in saving automatically becomes an increase in investment expenditure via adjustment of interest rate. In the classical model. Saving is in fact just another form of spending. The principles underlying Say's Law raised their head during discussions relating to anti-depression economic policy during the interwar period. Ralf Hawtrey, a strong advocate of the "treasury view", argued forcefully that public works programmes would be useless since such expenditures would simply "crowd out" an equivalent amount of private spending. Such views only make sense in the context of a fully employed economy (Deutscher, 1990).

رد قانون سی توسط کینز

در صورتیکه قانون سی مورد قبول واقع شود ، سیاست های مدیریت تقاضای کلان اقتصادی را زائد (بی اعتبار) می کند . قبلاً به این نتیجه رسیده بودیم که در مدل کلاسیک تصمیم برای خودداری از مصرف فعلی معادل تصمیم برای مصرف بیشتر در آینده است. بنابراین به طور خودکار به این معنی است که منابع باید به سمت تولید کالاهای سرمایه گذاری هدایت شوند که برای تأمین جریان کالاهای مصرفی آینده مورد نیاز است. افزایش پس انداز به طور خودکار به افزایش مخارج سرمایه گذاری از طریق تعدیل نرخ بهره منجر می شود. در مدل کلاسیک، پس انداز در واقع فقط شکل دیگری از خرج نمودن است. اصول زیربنای قانون سی در طول بحث های مربوط به سیاست اقتصادی ضد رکود در دوران بین دو جنگ قد علم کرد. رالف هاوتری، یکی از مدافعان قوی «دیدگاه خزانه داری»، قویاً استدلال می کند که طراحی کارها و سیاست های عمومی (دولتی) بی فایده خواهد بود، زیرا (در اقتصاد) مخارج بخش عمومی معادل است با بیرون راندن سرمایه گذاری بخش خصوصی. چنین دیدگاه هایی فقط در زمینه و متن اقتصادی که در شرایط اشتغال کامل است معنا پیدا می کند (دویچر، ۱۹۹۰).